



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت، به مناسبت هفته دولت - 4 / شهریور / 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام ولادت با سعادت حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و همچنین حلول هفته دولت را به شما دوستان عزیز که سنگینی بار این مسؤولیت بزرگ را بر دوش خود احساس می کنید و مشغول فعالیت و تلاش هستید، تبریک عرض می کنم.

بیاناتی که دوستان کردند و گزارشی که داده شد، خیلی خوب و برای بنده هم مفید بود. تفصیل و تشریح این گزارشها و ارائه اطلاعات دقیق و آمارهای صحیح به افکار عمومی، بسیار مفید و کار لازمی است. از این که دوستان این گزارشها را تهیه و بیان کردند تشکر می کنیم؛ مخصوصاً بیانات جناب آقای «خاتمی» بسیار خوب، درست و روشن بود.

آنچه من می خواهم عرض کنم این است که دولت در واقع فعال اصلی در صحنه کشور است و هر گونه موفقیتی که برای دولت به وجود آید، موفقیت نظام اسلامی است. اگر خدای نکرده برای دولت در فعالیتهای گوناگونش، رکود یا توقف یا ناکامی پیش آید، این ناکامی و عدم موفقیت هم برای اصل نظام تلقی خواهد شد. این حقیقت چند بُعد پیدا می کند. نمی شود بین نظام و دستهای اجرایی نظام تفکیک کنیم؛ نمی شود بگوییم ما دولتی بی توفیق و بی برنامه داریم؛ اما نظاممان کارآمد و موفق است. توفیقات نظام، در توفیقات دولت - به عنوان بخش اصلی اداره کننده کشور - تجسم پیدا می کند. یک بُعد این مسأله این است که هیچ کس نباید از این حقیقت غفلت کند که آرزوی موفقیت دولت، یک آرزوی انقلابی و ملی است. همه کسانی که دلسوزند و به سرنوشت کشور و نظام علاقه مندند، باید آرزو و دعا و تلاششان این باشد که دولت در بخشهای مختلف، توفیقاتی را که شایسته زمان و شایسته نیاز کشور است، به دست آورد. اگر فرض کنیم کسی به خاطر اختلاف سلیقه یا اختلاف فکر یا برخی تحلیلهای استنتاجی سیاسی طبعاً غلط، آرزو کند دولت در کار خود موفق نشود، یا در عمل برای عدم موفقیت دولت کاری بکند و حرکتی انجام دهد، این به هیچ وجه پذیرفته نیست.

البته معنای این حرف آن نیست که ما بگوییم هیچ کس حق ندارد از دولت انتقاد کند؛ چون انتقاد به معنای تضعیف نیست. انتقاد اگر دلسوزانه و منصفانه باشد، کمک هم می کند. اگر انتقادی دلسوزانه هم نبود، بالاخره دانسته می شود. در مقابل حرکت دولت، اگر یک وقت عیبجویی غیرمنصفانه ای هم بشود، نخواهد توانست افکار عمومی و واقعیتهای بیرونی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین من نمی خواهم انتقاد را منع کنم؛ اما تخریب را چرا. تخریب به هیچ وجه مصلحت نیست. با هیچ توجیهی کسی نمی تواند خود را قانع نماید که دولت را تخریب کند. البته شما مسؤولان دولت هم که بخشهای گوناگون در اختیارتان است، از انتقاد نه بترسید، نه خشمگین و ناامید شوید. این طور هم نباشد که اگر روزنامه یا شخصی به بخشی از بخشهای دولت یا به کاری که دولت پدید می آورد، انتقاد می کند، مسؤولان آن بخش یا مسؤولان دولتی سراسیمه شوند. گاهی اوقات انسان می بیند یک حالت سراسیمگی در اینها پیدا می شود؛ نه، به هیچ وجه سراسیمه نشوید؛ بالاخره انتقاد وجود دارد. معروف است می گویند: «من صتف استهدف»؛ کسی که یک کتاب بنویسد، هدف قرار می گیرد. حالا یک کتاب نوشتن کجا و دهها کتاب فعالیت کردن و حرکت کردن و اقدام کردن کجا؟ بالاخره راه مورد انتقاد قرار نگرفتن این است که انسان به کنج انزوایی بخزد و هیچ اقدامی نکند، یا اگر مسؤولیتی می پذیرد، خدای نکرده به لوازم آن مسؤولیت عمل نکند تا مثلاً کسی به انتقاد از او نپردازد و برخلاف توقع او کاری صورت نگرفته باشد. نه؛ بالاخره حرکتی صورت می گیرد؛ ممکن است مخالفان و منتقدانی داشته باشد. ممکن است یک اقدام شما کسانی را بحق یا بناحق عصبانی کند و آنها چیزی بگویند. وقتی کار شما مبتنی بر مقدمات منطقی است، باید آن را ادامه دهید.



البته موانعی هم سر راه دولت و سر راه هر کار سازنده ای وجود دارد؛ کمترین که از اول انقلاب تا امروز موانعی سر راه کل نظام وجود داشته است. موانع نباید کسی را بترساند. هنر مدیریت همین است که از موانع عبور کند. موانع نه باید انسان را متوقف کند - فضلاً از این که به قهقرا بکشانند و به عقب برگرداند - نه باید انسان را مأیوس نماید و بگوید چون در مقابل ما این مانع به وجود آمد، پس نمی شود جلو رفت. نه؛ باید مانع را از بین برد یا از مانع عبور کرد یا یک راه غیرمواجهه با مانع جستجو نمود. نباید مانع را بزرگ کرد و گفت نمی شود کار کنیم. نه؛ باید کار و تلاش کرد.

به نظر من اصل قضیه این است که ما اگر در کار خود احساس مسؤلیت داشته باشیم و کار را بر مبانی منطقی استوار کنیم، چنانچه نقضی هم در کار به وجود آید، علاوه بر این که خدای متعال ما را مؤاخذه نخواهد کرد - چون «لا یكلف الله نفساً الا وسعها» - مردم هم ما را مؤاخذه نخواهند کرد؛ مردم هم خلاف توقعشان نخواهد بود. ما باید تلاش خود را بکنیم و کار را بر پایه منطقی استوار سازیم. وقتی می گوییم پایه منطقی، معنایش این نیست که حتماً و صددرصد درست است؛ نه، ممکن است منطق ما درست هم نباشد؛ اما باید تلاشمان را برای جستجو از یک منطق درست آغاز کنیم و کار را بر پایه درستی استوار سازیم و مشورتهای لازم را هم بکنیم.

البته نقش هیأت وزیران در این زمینه خیلی مهم است. من مکرراً، هم به جناب آقای خاتمی، هم قبل از ایشان به رئیس جمهور محترم قبلی و دوستان دیگر گفته ام: هیأت وزیران در زمینه بحثهای منطقی و کارآمد و منجر و منتهی به تصمیم گیری، خیلی می تواند نقش داشته باشد. باید قدر هیأت وزیران را دانست. البته گاهی هم موانع قانونی ای وجود دارد؛ یعنی یا نقص قانون داریم - که طبعاً باید مراکز قانونگذاری این را برطرف کنند - یا اصطکاک قانونی وجود دارد. مثلاً فرض بفرمایید یک جا یک اقدام، وظیفه قوه قضاییه است که باید انجام دهد؛ اقدامی هم وظیفه وزیر یا مجموعه هیأت دولت یا فلان مرکز دولتی است که باید انجام دهد؛ اینها در این جا با هم اصطکاک پیدا می کنند. در قانون بشری، از این قبیل اصطکاکها کم نیست؛ این هم راه حل دارد؛ این طور موانع را هم می شود برطرف کرد. می شود با تفاهم بین قوا، گفتگوی بین مسؤولان قوا و تنظیم صمیمانه و واقعی روابط - نه تنظیم شکلی و برای از سر باز کردن آنچه در قانون اساسی آمده - موانع را برطرف کرد. تجربه ما این است که در مواردی، حتی آن جایی که به نظر می رسیده گره های دشوار و کوری وجود دارد، وقتی مسؤولان بالا و ارشد، با صداقت و مسؤلیت پذیری وارد میدان شدند، مشکلات بتدریج حل شده و می تواند حل شود. بعضی از موانع از نوع اصطکاکهایی است که به وجود می آید. اینها را می شود برطرف کرد.

تصور من این است که امروز چیزی که در کشور ما از هر طرف نگاه می کنیم، مورد نیاز است، مضاعف کردن و بهینه کردن تلاشهاست. ما سرمایه خوبی داریم. مسؤولان دولتی - یعنی شما برادران و خواهرانی که این جا حضور دارید - افراد مؤمن، انقلابی و علاقه مند به کار و علاقه مند به انقلابند و رئیس جمهور محترم هم بحمدالله شخصیتی هستند که همّت ایشان این است که اهداف نظام اسلامی را تحقق ببخشند. کار هم صورت می گیرد؛ یعنی واقعاً دولت در مدت مسؤلیت خود - چه این دولت با این ترکیب، چه با ترکیب اندک متفاوتی که در دولت اول آقای رئیس جمهور وجود داشت - کارها و تلاشهای زیادی کرده است.

البته من باز هم تکرار می کنم: کارهایی که شما کردید، خیلی از آنها به اطلاع مردم نرسیده است. از اظهاراتی که مردم می کنند، از شکایتهایی که می نویسند و از مراجعاتی که دارند، انسان می فهمد خیلی از آنها از بسیاری کارها در صحنه فعالیت عظیم و همه جانبه ای که این کارخانه بزرگ - که اسمش دولت است - انجام می دهد، واقعاً مطلع نیستند. حتی بعضی از افراد صاحب نظر، نخبه و کسانی که نظراتشان مورد اعتنا و اعتماد است، اظهاراتی می کنند که نشان می دهد از خیلی کارها خبر ندارند؛ این نقص تبلیغات شماس است. با این که روی روابط عمومیها کار شده، اما به نظرم می رسد اطلاع رسانی درستی از کارهای فراوانی که صورت گرفته، انجام نمی گیرد. اعتقاد این



است همین تلاشی را که انجام می‌گیرد، با کم کردن اصطکاکهای میان بخشی که در داخل دولت وجود دارد و همکاریهای فراوان و لازم بخشهای مختلف دولتی، باید مضاعف و در واقع بهینه کرد، والا شما زحمت می‌کشید، کوشش می‌کنید، ساعات زیادی وقت می‌گذارید و کار را دنبال می‌کنید. باید دید آن جایی که ناهماهنگی بین بخشهای مختلف وجود دارد، کجاست؛ آن جایی که سیاست بخشی یک قسمت، اقدام یا سیاست بخش دیگر را کند و یا احیاناً خنثی می‌کند، کجاست. انسان چنین مواردی را مشاهده می‌کند. مواردی را من، هم از اظهارات جناب آقای خاتمی، هم از اظهارات دوستان مشترک در دولت - در ملاقاتهایی که با من دارند - و هم در گزارشهای گوناگون می‌بینم که باید این طور چیزها به حداقل برسد؛ یعنی در بین بخشهای مختلف باید هماهنگی باشد. صداقت و مسئولیت‌پذیری باید در مدیران وجود داشته باشد. هنر یک مدیر این است که مسئولیت‌پذیری داشته باشد. بر مبنای یک پایه منطقی، کار را انجام دهید و مسئولیتش را هم به گردن بگیرید؛ بگویید این کار را کردم، مسئولیتش هم با من است. از مسئولیت نباید هراس داشت. آن چیزی که پیش‌خداي متعال و پیش‌مسئولان ارشد نظام و پیش‌مردم عذر واقعی شمرده می‌شود، همین است که انسان بگوید من این اقدام را بر این اساس منطقی کرده‌ام. پس باید یک اساس منطقی قانونی وجود داشته باشد، که ملاک هم قانون است. بنابراین هیچ مشکلی نباید وجود داشته باشد.

امروز یک جریان تبلیغاتی آشکار در دنیا وجود دارد که عمده تلاش آن برای این است که نظام و به تبع نظام، دولت را ناکارآمد جلوه دهد. همین تبلیغاتچیهای که گاهی اوقات بخشهای مختلف نظام را به محافظه کار و اصلاح طلب تقسیم می‌کنند و می‌گویند ما طرفدار این بخش هستیم، مخالف آن بخش هستیم؛ این را تأیید می‌کنیم، آن را چه می‌کنیم؛ هرگز شنیده نشده که مثلاً بیایند بگویند وزارت صنایع ایران این اقدامات موفق را انجام داده است. آیا شما در رادیوها و تبلیغات بیگانه، چنین چیزی شنیده‌اید؟ یا بیایند بگویند در ایران مثلاً صدوبیست سد در دست بررسی یا اجراست. هرگز نمی‌آیند بگویند آمار دانشجو در کشور این تزیید عجیب را داشته یا کشور دارای موفقیت‌های علمی بوده است. اینها را هیچ وقت بیان نمی‌کنند؛ با این که اینها کار همان مجموعه‌ای است که آنها می‌خواهند در یک حصّه جداگانه بگذارند و بگویند ما از آن حمایت می‌کنیم. هدف چیست؟ هدف این است که از مجموع، به سود نیات پلید و اهداف خصمانه خود و علیه نظام اسلامی استفاده کنند. اگر در یک بخش حتی موفقیتی هم وجود داشته باشد، اینها حاضر نیستند به آن اعتراف کنند؛ اما اگر نقطه ضعفی وجود داشته باشد، همان را بزرگ می‌کنند - متعلق به هر جناحی باشد - و به نظام نسبت می‌دهند. بنابراین امروز یک جریان تبلیغاتی وجود دارد و هدفش این است که نظام و دولت و قوه قضاییه و مسؤولان بخشهای گوناگون را ناکارآمد جلوه دهد؛ می‌خواهد مردم را مأیوس و دست اندرکاران و مدیران نظام را در سطوح مختلف دلسرد و دلمرده کند. شما باید با این جریان مبارزه کنید.

در درون تشکیلات خود به مدیرانی که زیردست شما هستند، نشاط و امید بدهید و آنها را وادار کنید کار را زیاد کنند. البته یک مقدار هم با پیگیری، کارها درست می‌شود. خوشبختانه در مجموع دستگاه دولت، بخشهایی برای پیگیری وجود دارد که اطلاع پیدا کردم جناب آقای «عارف» بعضی از پیگیریها را انجام می‌دهند. اینها خیلی لازم است. اگر از طرف شما دستوری صادر می‌شود، اگر باید اقدامی صورت گیرد، اگر باید مصوبه‌ای اجرا شود، نباید بگذارید شما را از پیشرفت آن بی‌خبر بگذارند؛ یعنی باید دائم سؤال و پیگیری کنید. این خودش ایجاد نشاط می‌نماید و در رگهای دولت خون جاری می‌کند.

یکی از نکاتی که می‌خواهم بار دیگر روی آن تأکید کنم - البته در جلسات خصوصی با مسؤولان مختلف قوه مجریه این را مطرح کرده‌ام، ولی الان هم باز می‌خواهم مجدداً تکرار کنم - این است که مسأله مبارزه با فساد را جدی بگیرید. ببینید! شما می‌نشینید برای کارهای سازنده برنامه ریزی می‌کنید، تأمین سرمایه می‌کنید، صرفه جویی می‌



کنید، برای این که بتوانید تعدادی شغل در فعالیتهای صنعتی یا کشاورزی یا خدماتی یا ساختمانی و غیره به وجود آورید؛ اما بعد از گوشه ای نقبی زده شود، یک شخص یا یک باند سودجو وارد میدان شود و همه یا بخش مهمی از چیزی را که شما به عنوان سرمایه ملی می خواهید استحصال کنید و به سود کشور به کار بزنید، بمکد واز بین ببرد و به سود خودش استحصال و مصادره کند. این چیز خیلی خطرناک و واقعاً نگران کننده ای است و این وجود دارد. در بخشهای مختلف کاری کشور، عده ای می خواهند مقابله با فساد را توجیه کنند؛ یک عده هم متقابلاً می خواهند فساد را بزرگ نمایند. به نظر من هر دو غلط است. بالأخره در همه جای دنیا انسان فسادپذیر است. هر انسانی اگر مراقب خود نباشد، فسادپذیر است. این که این همه در قرآن، نهج البلاغه و روایات روی تقوا تکیه شده، به خاطر همین است. تقوا یعنی مراقبت از خود، برای این که انسان فاسد و منحرف نشود. وقتی مراقبت از خود نباشد، هر انسانی قابلیت این را دارد که لغزش و فساد پیدا کند. بنابراین در گوشه و کنار باید وجود فساد را محتمل دانست. البته در جاهایی هم روشن است که وجود دارد.

ما نباید فساد را توجیه و یا در بیان آن مبالغه کنیم. عده ای خیال می کنند فساد همه جا را گرفته؛ این چیزی است که متأسفانه باز دستهای تبلیغاتی بیگانگان آن را دنبال می کند. وقتی بحث مبارزه با فساد مطرح می شود، یک فصل در این باب صحبت می کنند - می گویند این کار سیاسی است، هدف سیاسی دارد و سیاسی کاری است - تا اصل مبارزه با فساد را زیر سؤال ببرند. فصل دیگر، تبلیغات دروغین در باب تعمیم و گسترش فساد است. پیداست که هدف این است که هم افکار عمومی دلسرد و مأیوس شود و هم مبارزه با فساد واقعاً صورت نگیرد. وقتی نهضت مبارزه با فساد شروع می شود، هر کس بیاید در مقابل آن بایستد و بگوید خیر، چنین چیزی نیست و این کار، سیاسی است و اگر در جایی برخورد شد، این را به سیاسی گری متهم کند، به نظرم به این جریان تبلیغاتی کمک کرده است. من می خواهم این کار را خود دولت بکند.

به مناسبت هفته دولت، یکی از دوستان برای من یادداشتی نوشته - یادم نیست از کجا و کی بود - و گفته بودند در همه جای دنیا مبارزه با فساد، کار دولت است؛ چرا ما قوه قضاییه را مسؤول این کار می کنیم؟ من به این حرف معتقدم. معتقدم مبارزه با فساد، در درجه اول کار خود دولت است؛ بخصوص که دولتمردان سطح بالای ما - یعنی شما وزرای محترم، معاونان محترم رئیس جمهور و بقیه مسؤولان سطح بالای کشور - افراد پاکی هستند. شما می خواهید پاک کار بکنید؛ بنابراین می توانید خودتان مبارزه کنید و بکنید. بخش قضا مربوط به مرحله آخر کار است. در قدیم می گفتند: آخرین دارو، داغ کردن است: «آخر الدواء الكي». قبل از آن که به داغ کردن برسد، انسان انواع و اقسام دواها را به کار می برد؛ اگر خوب نشد، آن وقت محل زخم را داغ می کند، والا تا وقتی می تواند با مرهم و مراقبت و تنظیف، بیمار را معالجه کند، محل زخم را داغ نمی کند. در بخشهای اقتصادی، پولی، صنعتی، خدماتی و دیگر بخشهای تولیدی و آن جایی که بخصوص معاملات خارجی و کلان وجود دارد، حضور شما حقیقتاً به عنوان مدعی و معارض فساد و مفسد تلقی شود. وقتی با این جدیت دنبال رفع فساد رفتید، در جایی می بینید باید به قوه قضاییه بگویید ما از شما می خواهیم به این قضیه رسیدگی کنید. در این صورت با میل و خواست و مطالبه شما، قوه قضاییه وارد میدان خواهد شد. وقتی شما مبارزه نکنید، طبعاً وضع طور دیگری خواهد شد.

من می خواهم خواهش کنم که حتماً مسأله مبارزه با فساد را جدی بگیرید و دنبال کنید. این که ما دو سه سال قبل گفتیم اصلاحات واقعی در کشور، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است، هر روز که می گذرد، اعتقاد بنده به این مسأله راسختر می شود. هیچ اصلاحی در کشور بدون پرداختن به این سه مقوله اساسی و بنیانی ممکن نیست صورت گیرد؛ اینها مادر همه اصلاحات است و باید بالاخره در کارها به این قضیه پردازید.

نکته آخری که می خواهم عرض کنم، این است که حضور دشمن را در پشت پرده فرهنگ و سیاست جدی بگیرید. این یک واقعیت است و هرچه می گذرد، این حقیقت که دشمن در مقاصد پلید خود، امید زیادی به مقوله فرهنگ و



مسائل سیاسی دارد، بیشتر واضح و آشکار می شود. نباید غافلانه و ساده لوحانه بعضی از پدیده ها را جدای از علت و بریده از عامل اصلی اش تلقی کرد و به این و آن نسبت داد. حقیقتاً دشمنان می خواهند از فضای فرهنگی کشور علیه انقلاب، نظام و دولت استفاده کنند. باز مجدداً تأکید می کنم: هم به مردم اطلاع رسانی کنید، خبر دهید و پیشرفت‌ها را بگویید؛ هم اگر واقعاً موانعی وجود دارد، آنها را هم شفاف با مردم در میان بگذارید. صرف این که ما بگوییم موانعی در کار هست، مردم را قانع نمی کند و آنها نمی پذیرند. اگر واقعاً موانعی وجود دارد و کسانی هستند و جریانی موجود است که نمی گذارد شما کار کنید، این را شفاف و صریح به مردم بگویید. یا این است که حقیقتاً معلوم می شود این شخص یا این افراد یک حرکت مجرمانه انجام می دهند و نمی گذارند مسئولان یا دولت کار کنند، که در این صورت باید به این جرم رسیدگی شود، یا این است که آن طرف هم منطقی دارد. بالاخره یا باید او را متقاعد کرد یا او شما را متقاعد کند. این را در معرض افکار عمومی بگذارید و صریح و روشن و شفاف با مردم در این زمینه ها صحبت کنید. به نظر من این به پیشرفت کار کمک می کند.

خدای متعال قدرت و اراده لایتخلف خود را بر پیروزی اسلام و مسلمین قرار داده است؛ نشانه ها همه حاکی از این است. ملت عزیز ما با تلاش و مجاهدت خود و با گذشت و فداکاری ای که کرد، توانست رحمت الهی را هم در پیروزی انقلاب و هم در تداوم انقلاب و گسترش و تقویت روزافزون نظام تا امروز، جلب کند. همه قرائن این را نشان می دهد. اگر ما در خود، ضعف و نقص و خللی مشاهده کنیم که خدای نکرده مانع جلب رحمت الهی شود، در اخلاص این مردم هیچ تردیدی نداریم که این موجب جلب رحمت الهی است. مردم ما، خوب و مؤمن و بااخلاصند. اراده الهی بر این است که ان شاءالله پرچم اسلام روزبه روز در چشمه‌های مردم بیشتر جلوه کند. من از افراد مطلع - کسانی که در محافل فرهنگی و دانشگاهی و علمی دنیا و بخصوص در کشورهای اسلامی حضور دارند - مکرراً این مطلب را شنیده ام که بدون مبالغه و بدون این که بخواهند خوشامد بگویند، این حقیقت را می گویند که امروز در دنیا - بخصوص در دنیای اسلام - جلوه نظام اسلامی روزبه روز بیشتر می شود. قدرتهای غول پیکر جهانی این همه علیه انقلاب رجزخوانی و آن را تخریب می کنند؛ درعین حال شما نگاه کنید ببینید اقبال مجموعه آحاد ملت و جوانان به انقلاب و علاقه آنها به مبانی انقلاب چقدر زیاد است؛ به مسئولان چقدر اظهار ارادت و علاقه می کنند؛ در میدانهایی که حضورشان لازم است، حضور پیدا می کنند. اینها همه نعمتهای بزرگ الهی است؛ باید اینها را شکر کرد و قدر دانست و در جهت اراده و ستّ الهی حرکت کرد و همه نیروی خود را شکرگزارانه مصرف نمود.

من از یکایک شما دوستان به خاطر زحماتی که می کشید و تلاشی که می کنید و دلسوزیهایی که دارید، تشکر می کنم. امیدوارم خدای متعال به شما قوّت دهد و کمک کند تا بتوانید ان شاءالله هرچه بیشتر و متمرکزتر تلاش خود را در جهت اهداف انقلاب به حرکت درآورید.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته